



آیا امیرمؤمنان(ع) در مقام قضا از علم غیب استفاده می‌کردند

اهل بیت(ع) تأکید فرموده‌اند که در اموری عادی مردم و به خصوص بحث قضاوت، باید بنا بر بینه حکم کرد؛ آنها با وجود علم غیب، قواعد و قوانینی تشریع می‌کنند...

اهل بیت(ع) تأکید فرموده‌اند که در اموری عادی مردم و به خصوص بحث قضاوت، باید بنا بر بینه حکم کرد؛ آنها با وجود علم غیب، قواعد و قوانینی تشریع می‌کنند که همه مردم و قضاوت بتوانند از آن بهره ببرند. بنابراین در امور عادی که به اصل هدایت مردم و دین ضرری وارد نمی‌شده است، ائمه اطهار(ع) از علم غیب خود استفاده نکرده و بر اساس ظواهر و بینه حکم کرده‌اند.

آیا امیرمؤمنان(ع) در مقام قضا از علم غیب استفاده می‌کردند

به گزارش ایکننا، یکی از شبهات در فضای مجازی این است که شیعه می‌گوید امامان آن‌ها علم غیب داشته‌اند، در حالی که نقل شده امام اول آن‌ها به اشتباه دست کسی را که گفته شده بودند دزدی کرده را قطع کرد و بعداً مشخص شد که شاهد‌ها دروغ گفته‌اند. این چه علم غیبی است که متوجه نشده است آن‌ها دروغ می‌گویند.

پاسخ: در کتاب کافی یک روایت نقل شده - بقیه کتب نیز از ایشان گرفته‌اند - که امام باقر(علیه السلام) فرمودند: «امیرالمومنین(ع) در مورد کسی که دو شاهد بر علیه او شهادت داده بودند که او دزدی کرده است، حکم کرد که باید دستش قطع شود؛ سپس آن دو شاهد مرد دیگری را دیدند و گفتند که دزد اوست و امر بر آن‌ها مشتبه شده و به اشتباه گفته بودند که شخص اول دزد است، در این حال حضرت حکم کردند که آن دو شاهد نصف دیه را به شخصی که دستش قطع شده بپردازند و دیگر شهادت آن‌ها را قبول نکنند». [۱]

شبکه‌های معاند این روایت را متعارض با اندیشه شیعه مبنی بر علم غیب ائمه اطهار(علیهم السلام) دانسته‌اند که در رابطه با آن نکاتی را می‌توان گفت؛ نکته اول: این روایت خبر واحد است و تنها با یک سند نقل شده و علامه مجلسی آن را حسن دانسته است [۲]، لذا روایت صحیح‌السند هم نیست؛ بنابراین خیلی قوی نیست و با یک خبر واحد نمی‌توان اعتقاد شیعه را نفی کرد و گفت طبق این روایت باید علم غیب امامان معصوم را نفی کرد.

نکته دوم: در رابطه با وجود علم غیب در نزد اهل بیت روایات بی‌شماری وجود دارد که اگر کسی اندک آشنایی با کتب روایی شیعه داشته باشد، در وجود علم غیب در نزد آنان شک نمی‌کند، زیرا بسیار زیادند و اسناد مختلفی دارند و با یک یا چند روایت نمی‌توان آن‌ها را مخدوش کرد. [۳] به طور مثال امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ عَيْنِدَنَا عِلْمٌ وَمَا كَانَ عِلْمٌ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَّا أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ؛ همانا علم به آن چه اتفاق افتاده و آنچه اتفاق خواهد داد تا روز قیامت در نزد ما است». [۴]

نکته سوم: روایات متعددی در کتب روایی وجود دارد که ائمه اطهار (علیهم السلام) به اصحاب خاص خود اتفاق‌های آینده و حتی نحوه شهادت خود را خبر داده‌اند. گاهی برای هدایت یک نفر و یا برطرف کردن شبهه یکی از اصحاب خود در مورد امامت، از آنچه در ذهن او گذشته و یا اتفاق‌های آینده او، خبر داده‌اند و باعث هدایت او شده‌اند. [۵]

نکته چهارم: در صورت صحت روایت، باز با وجود علم غیب در نزد ائمه اطهار(ع) و به خصوص امیرالمؤمنین(ع) منافاتی نخواهد داشت؛ زیرا بارها گفته شده که علم غیب ائمه اطهار(ع) برایشان تکلیف‌آور نیست و تنها در صورتی از آن استفاده می‌کنند که دین خدا در خطر بوده و اگر فریب بخورند یا موضوعی را تشخیص ندهند، دین خدا به خطر افتاده و مردم گمراه می‌شوند؛ لذا در شرایط عادی خود اهل بیت(ع) نیز مانند یک شخص عادی رفتار می‌کردند و علم غیب خود را نادیده می‌گرفتند؛ بنابراین وجود علم غیب در نزد آنان یک مسئله است و استفاده از آن در زندگی مسئله دیگری است.

پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) فرموده‌اند که در اموری عادی مردم و به خصوص بحث قضاوت، باید بنا بر بینه حکم کرد؛ حتی مواردی را به عنوان بینه ذکر کرده‌اند که به طور مفصل در کتب فقهی بحث می‌شود مانند قاعده ید - هر کس در دستش چیزی باشد، مالک آن است مگر خلافش ثابت شود - قاعده دو شاهد عادل - اگر کسی ادعایی کند و مدرکی نداشته باشد، می‌تواند با آوردن دو شاهد مرد و عادل، مدعای خود را اثبات کند - و... .

دلیل این کار هم این بوده است که الگویی مناسب برای بعد از خود و برای همه قضات به جا بگذارند و دیگر قضات جامعه اسلامی نیز بر همین اساس قضاوت کنند؛ زیرا جامعه اسلامی مناطق مختلفی داشته و صد ها قاضی در دیار مختلف مشغول به امر قضاوت بوده اند و تنها خود امام است که باطن را می بیند و از غیب اطلاع دارد، اما غیر ایشان هیچ علم غیبی ندارند، لذا باید قاعده و قوانینی تشریع کنند که همه مردم و همه قضات بتوانند از آن بهره ببرند.

این روایت هم بر همین اساس بوده، یعنی، چون بینة حجت است، حضرت علم غیب خود را نادیده گرفته و بر اساس همین شواهد حکم کرده است؛ بنابراین در امور عادی که به اصل هدایت مردم و اصل دین ضرری وارد نمی شده است، ائمه اطهار(ع) از علم غیب خود استفاده نکرده و بر اساس ظواهر و بینة حکم کرده اند و در این جا وجود دو شاهد مرد، دلیلی بر حکم بوده است.

نویسنده: محمد فرضی پوریان

پی نوشت

[۱]. «قَصَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي رَجُلٍ شَهِدَ عَلَيْهِ رَجُلَانِ يَأْتُهُ سَرَقَ فَقَطَعَ يَدَهُ...» کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۳۸۴.

[۲]. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۴&۲۵، ص ۲۲۸.

[۳]. برای مطالعه به کتاب بحارالانوار جلد ۲۵ مراجعه کنید.

[۴]. الکافی، ج ۱&۲، ص ۲۴۰.

[۵]. برای مطالعه.

به کتاب اثبات الهدای از شیخ حر عاملی مراجعه کنید.